



تلگراف- دو بچه سمور نادر که در باغ وحش سانتا باربارا به دنیا آمده اند



اسپوتنیک- خشکسالی در بنگلادش، عکس بر گزیده محیط زیست سال ۲۰۱۷

دنیانه روایت تصویر

آیات نور

پروا داشتن در نهان، نشانه ایمان است

حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر آیات ۱۰ و ۱۱ سوره «یس» درباره هدایت کفار و مشرکان، بیم دادن بندگان و ترس آن‌ها از خدا با این مضمون که: «بر آنان تفاوتی نمی‌کند که آنان را بیم دهی یا بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند. تنها کسی را (می‌توانی) هشدار دهی که از ذکر (قرآن) پیروی کند و در درون و نهان از خدای رحمان بترسد، پس او را به آمزش و پاداشی پرازش بشارت ده.» نکاتی را مطرح کرده‌اند که می‌خوانید: ۱- بر سیه دل چه سود خواندن وعظ، نرود میخ آهنین در سنگ. ۲- حساب تمام حجت، از حساب تأثیرگذاری سخن و تأثیرپذیری مردم جداست. (با این که درباره گروهی، احتمال تأثیر نیست ولی باید پیامبر با آنان تمام حجت کند و هشدار دهد). ۳- قرآن، مایه ذکر است و پیروی از آن، وسیله یادآوری فراموش شده‌ها و بیدارگری فطرت خفته انسان است. ۴- رحمت گسترده الهی، نباید موجب بی‌پروایی ما شود. ۵- نشانه ایمان و خشیت واقعی، پروا داشتن در نهان است. ۶- بیم و امید بر کنار هم لازم است. در جمله «خشی الزحمن» هم خشیت است و هم رحمت. ۷- ترس از خدا در خلوت و درون مهم است نه در ظاهر و حضور در برابر مردم.

تفسیرنور

یادش بخیر



داستانک

طرز نگاه به زندگی

دو برادر بودند که یکی از آن‌ها معتاد و دیگری مردی متشخص و موفق بود. برای همسایه‌ها هم معما بود که چرا این دو برادر که هر دو در یک خانواده و با یک شرایط بزرگ شده‌اند، سرنوشتی متفاوت دارند؟ سرانجام از برادر معتاد، علت را پرسیدند. پاسخ داد: «علت اصلی شکست من، پدرم بوده است. او هم یک معتاد بود. خانواده اش را کتک می‌زد و زندگی بدی داشت. چه توقعی از من دارید؟ من هم مانند او شده‌ام.» همسایه‌ها از برادر موفق دلیل موفقیتش را پرسیدند. پاسخ داد: «علت موفقیت من پدرم است. من رفتار زشت و ناپسند پدرم با خانواده و زندگی اش را می‌دیدم و سعی کردم که از آن رفتارها درس بگیرم و کارهای شایسته‌ای جایگزین آن‌ها کنم.»

بریده کتاب

پدیده توهّم مفید بودن

مردی روز روز راس ساعتی معین به گوشه میدان شهر می‌رفت و لحظاتی کلاهش را از سرش بر می‌داشت و به شدت تکان می‌داد. روزی پلیس علت این کار را از وی جویا شد. گفت: با این کار زرافه‌ها را دور می‌کنم. پلیس پرسید: من در این جا زرافه‌ای نمی‌بینم! پاسخ شنید: این نشان می‌دهد که من کارم را درست انجام می‌دهم. به این می‌گویند توهّم مفید بودن! ما روزانه با توهّم مفید بودن در بسیاری از موارد گوناگون سروکار داریم... برگرفته از کتاب «هنر شفاف اندیشیدن» رولف دوبلی

فنونکته



اندک صبر

دیوانگی

حکایت باران بی‌امان است
این گونه که من دوستم می‌دارم...



دور دنیا

وقتی قطع کردن اینترنت آپشن می‌شود!



دیلی میل- در این روزها که داشتن اینترنت وای فای برای مغازه‌ها، رستوران‌ها و مراکزی که مردم با آن‌ها سر و کار دارند، گزینه ویژه محسوب می‌شود، یک شکلات فروش در هلند دست به کار متفاوتی زده است. او معتقد است چون مردم همیشه آنلاین هستند، زمان خرید از این فروشگاه وقت استراحت است! بنابراین یک منطقه آزاد بدون وای فای ایجاد کرده و در شعاع پنج متری، تمام سیگنال‌های اینترنتی را مسدود کرده است. در این مکان به جای اینترنت گردی، مردم می‌توانند از خواندن روزنامه یا یک کتاب خوب یا حتی یک مکالمه واقعی لذت ببرند.

خون آشام‌های واقعی!



آدیتی سنترال- چندین دهکده کوچک در آفریقای جنوبی که بر اساس افسانه‌ها به وجود خون آشام‌های واقعی بین مردم اعتقاد دارند، تصمیم گرفتند تا خودشان با تشکیل چند گروه، خون آشام‌ها را شناسایی و آن‌ها را نابود کنند! آن‌ها تا کنون بر اساس شک و گمان ۹ نفر را به طرز وحشیانه‌ای کشته‌اند! پلیس ۱۴۰ نفر از افراد این گروه‌های شکار کننده خون آشام را دستگیر کرده است اما آن‌ها با تمام وجود معتقدند افرادی که کشته شده‌اند، خون آشام بودند و هنوز هم ماموریت شان در نابود کردن همه آن‌ها تمام نشده است!

شکایت راننده از ستاره سینمای بنگلادش!



دیلی میل- «شکیب خان»، ستاره سینمای بنگلادش به دلیل این که شماره تلفنی را در یکی از فیلم‌هایش روی صفحه تلفنش نشان داده که متعلق به یک راننده روستایی است، به دادگاه رفت! «ایچول میا» راننده روستایی ادعا کرده از زمانی که او شماره اش را در یکی از صحنه‌های فیلم نشان داده، زندگی او تبدیل به جهنم شده است. چرا که طرفداران شکیب خان دست از سر او بر نمی‌دارند و آرامش را از او سلب کرده‌اند. او برای نشان داده شدن شماره تلفنش در صحنه فیلم، از شکیب خان شکایت کرده و او و عوامل فیلم را دادگاهی کرده است.

شنیدن هزار باره سرود ملی!



آدیتی سنترال- «رون گلداسپیکن» بازنشسته ۷۸ ساله انگلیسی که یک میهن پرست افراطی است، از نوعی اختلال شنوایی رنج می‌برد که باعث می‌شود مغزش صدا تولید کند! او چندین سال است که به طور مداوم سرود ملی انگلستان در ذهنش تداومی می‌شود و از این وضعیت بسیار رنج می‌برد. به گفته پزشکان این اختلال شنوایی در دوران کهن سالی برای برخی افراد رخ می‌دهد.

قاب ایران

لاتون، بلندترین آبشار ایران

اگر به دنبال یک برنامه طبیعت گردی هستید که هم منطقه بکری داشته باشد و هم کمی ورزش کنید، به شما آبشار «لاتون» را پیشنهاد می‌کنیم. آبشار لاتون با ارتفاع ۱۰۵ متر در ارتفاعات گیلان و در ارتفاع ۷۵۰ متری از سطح دریا، بلندترین آبشار ایران است. برای دسترسی به این آبشار باید از شهر لوندویل در ۲۰ کیلومتری آستارا به روستای کوته مه بروید و از آن جا با یک پیاده‌روی چهار تا پنج ساعته به آبشار خواهید رسید. اتاق و آب گرم برای رفاه مسافران در روستای کوته مه موجود است. فراموش نکنید حتما یک دور بین به همراه خود ببرید تا از زیبایی‌های مسیر، آبشار و احاطه‌های شداتان عکس‌های یادگاری بگیرید.

عکس و متن: امین جوشش



Like Comment

«سخت‌ترین کار بعد از کار در معدن، تشخیص جعفری از گشنیزه!

«باور کنید اگه اون درصدم شارژ گوشی رو بردارید، نصف استرس زندگی تون از بین میره!

«چند وقته هر شلوار لی که می‌بینم به نظرم ۳۰ تومن می‌ارزه. باورش سخته، ولی فکر کنم دارم پدر می‌شم!

«بدترین قسمت شب اون جاست که توی تاریکی دست می‌بری کنار تخت، می‌بینی شارژر نیست!

«چه جوری هم‌زمان موقع رانندگی استوری ضبط می‌کنین و می‌ذارین اینستا؟ من آینه‌هام رو که نگاه می‌کنم بیهو می‌بینم پیچیدم تو به خروجی!

«کاش برای آدم‌ها هم حافظه جانبی وجود داشت تا مجبور نبودیم هرروز این همه خاطره رو حمل کنیم!

«قبل از سوار شدن به آسانسور یک لگد بهش بزنید، شاید یکی داره توش سلفی می‌گیره!

«آدم‌های خوب مثل چای می‌مونن، هروقت بهشون نیاز داری در دسترسن. ولی همه قهوه رو بیشتر دوست دارن!

Like Comment

شعر طنز

چای از نظر افراد مختلف:

کارگر:	فرار از سختی کار است چایی ندارم غیر چایی چیز خاصی
شاعر:	شبیه شاعران بی ثباتم! اگر چه قهوه نوشم توی کافه
روشنفکر نما:	همیشه در پی یک چیز خاصم! ولی من تا کنون چایی نخوردم
آدم خیلی پاستوریزه:	نخور چایی ضرر دارد عزیزم اگر هممان باشی پس از خواب
خواستگار:	روم من خواستگاری هر کجایی بفهمم دختر خوبی ست یا نه
دختری که اومدن خواستگارش:	ز پُر خوابی همش! پُف می‌کنم من بدم آید اگر از خواستگارم
امیرحسین خوش حال:	

پاسخ مسابقه این کیه؟

تپل خوش خنده و خوش صدا



سلام. این هم عکس کامل شخصیت مسابقه شماره ۵۶ «این کیه؟» آقای «محمد عزیزاده» خواننده خوش صدا و باحساس کشورمون. همان طور که گفته بودیم ایشون تخصص عجیبی در خوندن ترانه های اشک آور داره و به خاطر تپیز ازهایی که تا حالا خونده، حتما تا حالا یک آهنگش رو شنیدیم. با این که خیلی راهنمایی کرده بودیم و کم مونده بود اسم و فامیش رو هم بنویسیم و حتی چند نفر شاکی شده بودن چرا این قدر تابلو راهنمایی کردیم، ولی فقط ۱۶۹ نفر پاسخ درست رو فرستاده بودن. برنده این مسابقه خانم «مانده مومنی» ۱۴ ساله هستن که با بریدن روزنامه و سر هم کردن پازل، تونستن به جواب صحیح برسن! این مخاطب خوب ما چند بار تا حالا تو این مسابقه شرکت کردن که این بار قرعه به نام شون افتاد و برنده شدن. بهشون تبریک می‌گیم ولی خواهش می‌کنیم دیگه روزنامه رو پاره نکنن! چهارشنبه همین هفته و با مسابقه بعدی، عکس و کاریکاتورهاشون رو می‌تونید همین جا ببینید.

افسانه‌های نوین

پسر ضعیف و مرد نامرد

در زمان‌های قدیم، روزی مردی در حال قدم‌زدن در خیابان، چشمش به پسر بچه‌ای افتاد که زار زار گریه می‌کرد. مرد دلش به رحم آمد. نزدیک رفت و علت را از بچه پرسید. در زمان‌های قدیم مردم درم‌دل نازک بودند و دلشان برای بچه‌ای که گریه می‌کرد می‌سوخت. مثل الان نبود که اگر کسی در حال جان دادن هم باشد، باز هم کسی کاری به کارش نداشته باشد و فقط با گوشی ارزش عکس بگیرند و در اینستا بگذارند و زیرش بنویسند: «آه ای آدم‌ها، یک نفر در کنج پیاده‌رو دارد می‌سپارد جان، هر یک لایک یک تنفس مصنوعی برای نجات این بینوا. هر کامنت هم یک شوک قلبی. میسی که هستین، پسر رو به مرد کرد و افزود: «من دو سکه داشتم که از مادرم برای رفتن به شهر فرنگ گرفته بودم (شهر فرنگ همان سینمای کنونی است- مولف) حق‌حق... (صدای گریه بچه) ولی آن پسری که در گوشه بالای تصویر می‌بینید و پیراهن قهوه‌ای با شلوار گل‌بهی به تن دارد و از راست به چپ می‌دود حق‌حق... (صدای گریه بچه) آمد و یکی از آن سکه‌ها را از من قاپید و فرار کرد حق‌حق...»

مرد نگاهی به پسرک دزد انداخت سپس رو به پسرک مال باخته کرد و افزود: «خب چرا داد و فریاد نکردی و مردم را خبر نکردی؟» پسرک با گریه در جواب مرد افزود: «اتفاق خیلی هم داد و فریاد کردم ولی چون جنس صدایم ظریف است و باید بیشتر روی تحریرهایم کار کنم، کسی به فریادهای من وقعی نهدا. حق‌حق» مرد چشم‌هایش برقی زد و به پسر نزدیک شد و افزود: «یعنی بیشتر از این نمی‌توانی سر و صدا کنی؟» پسر حق‌حق کرد و گفت: «خیر!» مرد دست دراز کرد و آن سکه دیگر را هم از پسر قاپید و در حالی که مثل گریه تره و رویاه مکار می‌خندید، از صحنه دور شد.

ولی از آن جایی که افسانه‌های ما پایان خوشی دارند، در این لحظه چندین مرد و زن و بچه جلوی مرد زورگیر ظاهر شدند و همگی در حالی که دست تکان می‌دادند و می‌خندیدند افزودند: «شما در مقابل شهر فرنگ مخفی قرار دارید، لبخند بزنید!» و این گونه شد که اولین دوربین مخفی اختراع و مرد هم از کرده اش پشیمان و همه چیز ختم به خیر شد!

علکساندر کاربراتور

قصارزاده



ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* ممنونم از چاپ پرونده «حر انقلاب» به امام حسین(ع) سوگند می‌خورم که دیگه دنبال گناه نرم و نمازم رو ترک نکنم. امیدوارم روز قیامت روسفید بشیم.

* با این که چند روز از مطلب «روستای ایستا» می‌گذره ولی «ایستا» چه اسم باسما و جالبیه برای اون روستا. یعنی به علم و تکنولوژی میگه: ایستا! جلوتر نیا، این جا ایستاست! اگر شد یک گزارش از اون جا بگیریم.

* در مطلب درباره کتاب خوانی تاریخ هفته کتاب و کتاب خوانی را اشتهاه زدید. روز کتاب و کتاب خوانی ۲۴ آبان است که عضویت کتابخانه‌های عمومی رایگان و امسال از ۲۰ آبان تا ۲۶ آبان است.

* **ما و شما:** هفته کتاب و کتاب خوانی تا سال گذشته در تاریخ ۱۳ تا ۷ آبان بوده اما بر اساس مصوبه نخستین جلسه شورای سیاست گذاری هفته کتاب که در مهرماه برگزار شده است، هفته کتاب از ۲۰ تا ۲۶ آبان برگزار خواهد شد.

* **فرهاد دوست علی هستم.** چندبار مطالب طنزم در زندگی سلام چاپ شده است. چطور می‌تونم مطالب یا داستان‌های کوتاه‌م رو براتون بفرستم یا به چاپ برسونم؟

* **ما و شما:** مطالب تون رو به این شماره تلگرام کنید: ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵

* **در «مسابقه این کیه؟»** دیگه از این تابلوتر نمی‌شد راهنمایی کنین! شاید حیف تون میاد روزنامه رو برش بزنیم؟!

پاسخ خفن استرپز شماره قبل: شناور - طاغچه - گلوله